

جایگاه وقف در جامعه و چالش‌های پیش رو

سید مجتبی سجّادی جزئی^۱

چکیده:

پژوهش حاضر پس از بیان تاریخچه وقف در ایران، به اهمیت این نهاد از جنبه‌های مختلف پرداخته و درباره جایگاه وقف در جامعه امروزی و فوایدی که می‌تواند داشته باشد سخن گفته است. وقتی سخن از تأثیر وقف بر استقلال اقتصادی و رشد و توسعه مطرح می‌شود، هرگز به این معنا نیست که وقف به تنهایی می‌تواند همه ابعاد و زوایای گوناگون اقتصاد یک ملت را در برگیرد، بلکه منظور این است که وقف به عنوان یک سرمایه عظیم مالی، در این سمت و سونقشی سازنده و قابل توجه دارد. علاوه بر این، می‌توان سرمایه‌های عظیم وقف را همانند دیگر سرمایه‌ها، با رعایت همه جوانب وقف، موازین شرع و اهداف واقفان، در فعالیت‌های تولیدی و خدماتی به کار انداخت و آنها را از حالت رکود به حالت تحرک و پویایی هدایت کرد، تا بدین وسیله به رشد و توسعه و استقلال اقتصادی و سیاسی کشور کمک شود. همچنان که بر سرمایه‌های اوقاف نیز افزوده می‌شود که این نیز یقیناً در راستای اهداف واقفان است. وقف همچنین یکی از عمده‌ترین زیرساخت‌های اقتصادی جهان اسلام و از ارزش‌های مطرح شده در جهان بینی دینی است که نقشی مؤثر در شکل‌گیری ساخت فضایی شهرهای دوره اسلامی، به ویژه شهرهای ایران داشته است. پژوهش در خاتمه توصیه می‌کند که متولیان اوقاف با راهنمایی و آموزش‌های دینی عملی در زمینه وقف، مردم را بیش از پیش با این نهاد اقتصادی اسلام آشنا سازند.

کلیدواژه‌ها:

وقف در ایران، جایگاه وقف، نهادهای اقتصادی اسلام، وقف و توسعه، وقف و استقلال

اقتصادی

مقدمه

میل به جاویدان زیستن همواره انسان‌ها را تشویق کرده است تا در کنار کار و تلاش مستمر خود به ایجاد بنا و کارهای یادگاری بپردازند که در حیات آنها و همچنین پس از وفاتشان، منشأ خیر و منبع برکات گردند و برای جامعه مفید باشند. روح نوع‌دوستی و اندیشه اجتماعی و همکاری متقابل و فکر زندگی گروهی، سبب می‌شود که انسان با وجود سایر دشواری‌های موجود در اجتماع، کارهایی کند که بخشی از آن برای دیگران سودمند باشد.

اگر چه انسان ذاتاً موجودی اجتماعی است، ولی زمانی که در تأمین امنیت و رفع مشکل اقتصادی و اجتماعی محتاج به همکاری شد، روحیه اجتماعی بودنش قوت می‌گیرد.

ادیان الهی با الهام از منبع وحی در جهت هدایت جامعه‌های بشری و تشویق آنان برای کمک به هموعان خود نقش اصلی داشتند و بسیاری از مردم با تأسی به ارزش‌ها و پیام‌های ادیان، خود را در مسایل اجتماعی شریک دانستند، تا حدی که بعضی تا سرمرز ایثار و فداکاری پیش رفتند.

یکی از راه‌های استمرار نیکوکاری و کمک به هم‌نوع، سنت حسنه «وقف» است که شخص واقف با وقف اموال و املاک خود برای امور خیریه و عام‌المنفعه، درآمد آن موقوفات را به امور خیریه اختصاص می‌دهد و مادام که آن موقوفه یا موقوفات باقی است، متولیان و متصدیان امر وقف موظف به اجرای نیات خیر واقف هستند. در فقه اسلام نیز وقف همواره به‌عنوان بحثی مهم مورد توجه بوده و ویژگی‌های منحصر به فردی داراست.

با توجه به موارد بیان شده، در پژوهش حاضر بر آنیم که بعد از بیان تاریخچه وقف در ایران، به اهمیت این نهاد از جنبه‌های مختلف همچون اقتصادی و حتی معماری و شهرسازی پرداخته و در نهایت با توجه به موارد بیان‌شده، فواید و جایگاه آن را در جامعه امروزی بیان کنیم.

نقش وقف در تحقق اهداف اقتصاد اسلامی

هدف اساسی و اصلی همه نظام‌های اسلام، از جمله نظام اقتصادی اسلام، کمال ابدی یعنی تقرب الی الله است. از دیدگاه قرآن کریم و روایت‌های معصومین علیهم‌السلام، انفاق‌های مالی چه واجب و چه مستحب، برای نیل به این هدف نهایی نقشی بس عظیم و اساسی دارند که به‌عنوان نمونه در این جا مواردی یادآوری می‌گردند:

الف - قرآن کریم در موارد متعددی از انفاق به‌عنوان جهاد مالی در کنار جهاد جسمی یاد کرده است؛ مانند: ﴿لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ أُولِي الضَّرَرِ وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً...﴾ (نساء/ ۹۵): مؤمنانی که بدون عذر از جهاد باز نرفته‌اند، با آنان که با مال و جان خود در راه خدا جهاد می‌کنند برابر نیستند. خدا مجاهدان به مال و جان را بر نشستگان برتری بخشیده است ...

ب - در موارد متعدد هدف از مالیات‌ها و انفاق‌های مالی در اسلام از جمله زکات و وقف در نزد بسیاری از فقیهان قصد قربت است. این انفاق‌ها گذشته از جنبه اقتصادی، همانند نماز و روزه عبادت هستند و غرض اصلی از عبادات هم قرب الهی است: ﴿وَاعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّى يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ﴾ (حجر/ ۹۹): به پرستش خدای خود مشغول باش تا یقین به سراغ تو آید.

ج - در بسیاری از آیات قرآن کریم به دنبال واژه «انفاق» واژه «فی سبیل الله» و مانند آن ذکر گردیده است. به‌عنوان نمونه: ﴿الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ لَا يُتَّبِعُونَ مَا أَنْفَقُوا مَنًّا وَلَا أَذَى لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ...﴾ (بقره/ ۲۶۲): آنان که مالشان را در راه خدا انفاق می‌کنند و در پی آن متنی نگذارند و آزاری نکنند، پاداششان نزد خداست....

خداوند در جای دیگر به صراحت هدف از انفاق را لقاء الله دانسته است: ﴿... وَمَا تُنْفِقُونَ إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ اللَّهِ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ يُؤَفِّ إِلَيْكُمْ...﴾ (بقره/ ۲۷۲): ... و جز در طلب رضای خدا انفاق نمی‌کنید و آنچه از خیر انفاق کنید، به طور کامل به شما می‌رسد ...

د - در آیاتی از قرآن کریم، هدف روشن انفاق و گرفتن صدقه، تزکیه نفس و رسیدن به «برّ» و نیکی ذکر شده است: ﴿لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ...﴾ (آل عمران/۹۲): هرگز به نیکی نخواهید رسید مگر آن که از آنچه دوست می‌دارید انفاق کنید....

شان نزول این آیه وقف و صدقه است که گذشت. با نزول این آیه کسانی چون ابوطلحه انصاری به فکر صدقه دادن و وقف کردن بهترین اموال خود افتادند. این آیه، راه رسیدن به «برّ» را انفاق چیزهایی دانسته که مورد علاقه و محبت انسان است؛ و روشن است که «برّ» چه به معنای ثواب از جانب خدا و یا انجام فعل خیری که پاداش الهی را به دنبال دارد، مصداق اصلی و حقیقی آن، قرب الهی و سعادت و کمال ابدی انسان خواهد بود.

در آیه ﴿خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا...﴾ (توبه/۱۰۳): [ای رسول!] از اموال مؤمنان صدقه‌ای بگیر تا آنان را پاک و تزکیه گردانی.

هدف از دریافت صدقه از مؤمنان، تطهیر و تزکیه نفوس آنان به وسیله صدقه (و انفاق مالی) دانسته شده است. علامه طباطبایی در این باره می‌نویسد: «تطهیر یعنی ازاله اوساخ از یک چیز تا وجود آن صاف گردد و برای نشو و نما و ظهور آثار و برکات، مستعد و مهیا گردد؛ و تزکیه عبارت است از رشد دادن و اعطای رشد به آن به وسیله لُحوق خیرات و ظهور برکات؛ همانند درختی که قطع زواید از فروع و شاخه‌های آن باعث زیادی در حسن و نمو آن و نیکویی میوه‌هایش می‌شود؛ از این‌رو، جمع بین تطهیر و تزکیه در آیه از تعبیر لطیف است»^۳. بنابراین همه انفاق‌های مالی، از جمله وقف، برای انسان به منزله هرس کردن درخت از اضافات است که او را در مسیر نیل به هدف اصلی و نهایی‌اش یاری می‌دهد و در این جهت به او سرعت می‌بخشد.

علاوه بر موارد بیان شده، وقتی سخن از تأثیر وقف بر استقلال اقتصادی و رشد و توسعه مطرح می‌شود هرگز به این معنا نیست که وقف به تنهایی می‌تواند همه

ابعاد و زوایای گوناگون اقتصاد یک ملت را در برگیرد، به طوری که برای اقتصاد کشور به منابع مالی دیگر نیازی نباشد، بلکه منظور این است که وقف به عنوان یک سرمایه عظیم مالی می تواند در این سمت و سو دارای نقشی سازنده و قابل توجه باشد. هم چنین به این معنا نیست که برخلاف اهداف و اقفان، درآمد وقف را از موارد اصلی مصارف آن که در وقف نامه ها آمده است، منحرف کنیم و آنها را در راه تحقق استقلال اقتصادی و رشد و توسعه به کار گیریم و به مصرف برسانیم. حقیقت این است که می توان سرمایه های عظیم وقف را نیز همانند دیگر سرمایه ها با رعایت همه جوانب وقف، موازین شرع و اهداف و اقفان در جریان فعالیت های تولیدی و خدماتی قرار داد و آنها را از حالت رکود به حالت هدایت کرد تا به این وسیله به رشد و توسعه و استقلال اقتصادی (و سیاسی) کشور کمک شایان و قابل توجه باشد و همچنین بر سرمایه های اوقاف افزوده شود که این نیز یقیناً در راستای اهداف و اقفان می باشد (حائری ۱۳۷۸: ۲۶۴).

از متون اسلامی به خوبی روشن است که اسلام خواهان زدودن همه جوانب و زوایای فقر در جامعه است و نیز به دنبال رفاه عمومی در حدّ معقول و مشروع. شهید صدر در این باره می نویسد: مسؤولیت دولت و نظام اسلامی، بجز تأمین نیازهای حیاتی و ضروری افراد، این است که یک سطح زندگی متناسب با شرایط و مقتضیات روز را برای افراد تضمین نماید و آنها را به یک حد از رفاه (عمومی) برساند. وی یکی از ابزار مهم دولت اسلامی برای تحقق این هدف را کفالت همگانی مسلمانان در برابر یکدیگر ذکر می کند، یعنی احساس مسؤولیت متقابل و عمومی (صدر ۱۳۵۷: ۳۱۹). از این رو، اولاً فقرزدایی تنها در حدّ قوت لایموت به نیازمندان کفایت نمی کند. ثانیاً مسلمانان در برابر یکدیگر مسؤولند و کفالت همگانی دارند. کلینی در اصول کافی از امام صادق (ع) نقل کرده است که: «خداوند برای فقرا در اموال ثروتمندان به قدر کفایت (و اداره زندگی آنان بخوبی) قرار داده است و اگر این مقدار آنها را کفایت نمی کرد، بیشتر قرار می داد و این مشکلات فقرا از

ناحیه کسانی است که آنها را از حقشان باز می‌دارند." در باب زکات، امام موسی کاظم علیه السلام نیز در پاسخ کسی که پرسید "آیا می‌توانم هشتاد درهم به فقیر بدهم؟" فرمود: "آری و بیشتر" پرسید، "صد درهم چطور؟" فرمود: "آری: اگر می‌توانی او را بی‌نیاز کن (وَاعْنِهِ اِنْ قَدَرْتَ اَنْ تُغْنِيَهُ)" (مجلسی ۱۳۶۷: ۸۶). امام باقر علیه السلام نیز می‌فرماید: "اِذَا اَعْطَيْتَ فَاغْنِيَهُ هِرْغَاهِ اِنْفَاقِ مِی کُنِی طَرَفَ رَا بِی نِیَازَ نَمَا". در حدیث دیگری امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «خداوند همه نیازهای فقرا را در نظر گرفته است، از هزینه‌های غذا و پوشاک و ازدواج گرفته تا هزینه صدقات مستحبی و حتی هزینه انجام حج آنان". (مجلسی ۱۳۶۷: ۱۰۲).

وقف از دو راه می‌تواند در این مورد مؤثر باشد:

الف - نفس استقلال و رشد و توسعه اقتصادی (مبتنی بر موازین اسلامی) که به‌طور طبیعی موجب رفاه عمومی و زدودن و دست‌کم کاهش چشم‌گیر فقر و محرومیت و آثار شوم آن در جامعه خواهد شد.

ب - بخش عمده موارد مصرفی که واقفان دورنگر و نیکوکار در طول تاریخ وقف در نظر گرفته‌اند به رفاه عمومی، فقرزدایی و عدالت اجتماعی مربوط می‌شود. اگر ما نگاهی هر چند گذرا، به تاریخ وقف و مضمون وقف نامه‌ها بیندازیم به خوبی در می‌یابیم که واقفان خیر و دوراندیش تمام زوایا و جوانب نیازها را در نظر گرفته‌اند. به رغم این که بسیاری از رقبات موقوفات و مدارک آنها در طول زمان به دلایل و عوامل گوناگونی از بین رفته‌اند و از بسیاری از آنها نامی هم باقی نمانده است، مشاهده می‌کنیم که جهت و سمت و سوی اصلی مورد نظر واقفان در طول تاریخ فقرزدایی و در مرحله بعدی، تحقق رفاه عمومی در سطح معقول بوده است. علاوه بر این باید بیان گردد که نیازهای عمومی و خصوصی مردم نسبت به زمانها و مکانهای مختلف متفاوت است، مثلاً در یک زمان، مردم به کاروانسرا، آب انبار و... نیاز مبرم داشتند، اما در روزگار ما تأسیس فضاهای آموزشی، درمانی، مسکن، جاده‌ها و... از اولویت بیشتری برخوردارند. از این‌رو، از راه‌های گوناگون، آگاهی

دادن به مردم و کسانی که درصدد وقف اموال خود هستند، می‌تواند به سمت و سو دادن وقف‌های جدید در جهت اولویت‌های جامعه کمک شایان و درخور توجّهی بنماید (حائری: ۱۳۷۸: ۲۷۰).

وقف و بهبود وضع اقتصادی جامعه

در ارتباط با تأثیر وقف در بهبود اوضاع اقتصادی جامعه می‌توان به موارد بسیاری زیادی اشاره کرد که در ذیل به برخی از آنها اشاره می‌گردد.

الف- کارآفرینی و اشتغال: امروزه، کارآفرینی از بزرگترین دغدغه‌های جوامع انسانی است؛ زیرا کار عنصری مقدس و حائز اهمیت محسوب شده که در سایه‌سار آن، علاوه بر رفع نیازهای معیشتی، آرامش، هم‌گرایی، هویت شغلی و اعتلای شخصیتی فرد محقق می‌شود. البته این در حالی است که اغلب کشورهای جهان با معضل بیکاری دست به‌گریبان هستند. از آنجا که چاره‌اندیشی برای تخفیف این مشکل بدون مشارکت جدی بخش خصوصی به انجام نخواهد رسید، ضروری است که از راهکار حسنه‌ی وقف در این عرصه نیز استفاده شود. اما پیش از آن لازم است که این ضرورت برای نیکوکاران تبیین شود تا پاره‌ای از موقوفات و عایدی آنها صرف این مهم شود. بالا رفتن موقوفات از جمله کشتزارها نیز راهکاری است که پرداختن به آن می‌تواند به ایجاد فرصت‌های شغلی بیشتر بینجامد.

ب- تأمین بهداشت و سلامتی: رابطه‌ی رونق اقتصادی و تندرستی افراد یک جامعه، رابطه‌ای قطعی و اساسی است؛ زیرا کسالت، رخوت و سستی نیروی کار، خود عاملی است که علاوه بر ایجاد تبعات سوء بسیار، افت سطح تولید و به تبع آن بیکاری و فقر را نیز موجب می‌شود. توسعه‌ی صنعتی اگر چه خود از یک سو با ایجاد آلودگی‌های زیست‌محیطی، صوتی و ... بهداشت جسمی و روانی افراد را به خطر می‌اندازد، اما از دیگر سو خود به سلامت نیروی کار نیازمند است؛ زیرا درآمندی که از قبل آن نصیب جوامع می‌شود، نقش عمده‌ای در تأمین سلامت

شهروندان ایفا کند. از این روی ضرورت بهره‌گیری از راهکار حسنه‌ی وقف دیگر بار رخ می‌نماید. این امر می‌تواند شامل احیای حوزه‌های سنتی و گسترده‌ای باشد که شاهد حضور سنت حسنه‌ی وقف‌اند، از قبیل: احداث، توسعه و تجهیز بیمارستان‌ها، درمانگاه‌ها، خانه‌های بهداشت و مانند آن (بختیاری ۱۳۸۱: ۸).

ج - گسترش عدالت به سود نیازمندان جامعه: وقف اگرچه به نوعی در قبل از اسلام وجود داشته است، ولی عنایت و توجه به این سنت حسنه به تولد اسلام باز می‌گردد که توسط اهل بیت مطرح شده است؛ به گونه‌ای که از چنان توجهی برخوردار شده که در برهه‌هایی از تاریخ، تأمین مهم‌ترین نیازهای مستمندان را بر عهده داشته است. زیرا در گذشته، بر خلاف امروز، حکومت‌ها بیشتر به دفاع از مرزها و نظم عمومی می‌پرداختند نه توجه به نیازمندان. این امر امروزه نیز می‌تواند مورد توجه قرار گیرد بدین صورت که با تشویق افراد خیر که املاک و اموال خود را وقف نیازمندان کرده و بدان‌ها رسیدگی کنند، می‌توان تا حد بسیاری به بهبود اوضاع معیشتی آنان رسیدگی کرد (گنجی ۱۳۸۱: ۶۰).

د - فقرزدایی: تنگدستی که بنا به فرموده‌ی مولای متقیان علی علیه السلام، بزرگتر از مرگ است، آفتی سترگ برای جوامع انسانی به‌شمار می‌آید که از رهگذر آن گاه ایمان و اعتقاد مذهبی افراد نیز دچار تزلزل و زوال می‌گردد. بدین ترتیب راهکار حسنه‌ی وقف می‌تواند با فراهم آوردن فرصت‌های شغلی، دستگیری از نیازمندان و کمک به خود اتکایی ایشان، رواج اندیشه‌ی خیرخواهی، تقویت مؤسسات حمایتی، بسیج امکانات اندک و مانند آن، راه را بر فقر و تنگدستی تنگ کند و رفاه و غنای ممدوح جامعه انسانی را موجب شود.

ه - عمران و آبادانی دارالسلام: دین مبین اسلام که تحصیل سعادت آدمی در هر دو جهان را در امتداد نگاه دارد، علاوه بر آنکه بندگان خدا را به ساختن سرایی مجلل و فاخر در دنیای پسین فرا خوانده، آنان را به عمران و آبادانی دنیایی که مزرعه‌ی آخرت است، نیز دعوت فرموده. سنت حسنه‌ی وقف که با عمران و

آبادانی ظاهری و باطنی دارالسلام، ارتباطی دیرپا داشته و دارد و احداث مدارس، مساجد و ... مؤید آن است و بسیاری از عوامل دیگر (شهرامی ۱۳۸۲: ۳۵ - ۳۷).

نقش وقف در جلوگیری از تجمع و تمرکز ثروت

نهاد وقف عامل بسیار مهمی در جلوگیری از تجمع و تمرکز ثروت در جامعه است. اهمیت وقف از این دیدگاه هنگامی بیش از پیش روشن می‌شود که تعداد نسبتاً قابل ملاحظه‌ای از اموال بلا استفاده و متروکه‌ای را که بهره‌وری از آنها می‌توانست در ارائه خدمات اجتماعی مفید فایده قرار گیرد، مطمح نظر قرار دهیم. عدم بهره‌وری مؤثر از این اموال که به حکایت آمار و ارقام موجود، سالهاست از حیز انتفاع خارج شده، به هیچ روی قابل توجیه نمی‌تواند باشد. در یک اقتصاد متعادل، حرکت فعالیت‌های اقتصادی به سمت و سویی است که مآلاً اهداف توسعه اقتصادی هر جامعه را تحقق دهد. تجمع و تمرکز ثروت، حرکت اقتصاد را از این مسیر تعادلی منحرف و در نتیجه ثروتمندان را از رهگذر درآمدهای کاذب و نامشروع به مفتخواری و رانت‌خواری تشویق و تحریض می‌نماید. در چنین شرایطی، اقتصاد جامعه، به علت انحراف از مسیر اصلی و طبیعی خود با مشکلات عدیده مواجه می‌گردد که تزلزل عدالت اجتماعی در رأس همگی آنها قرار دارد. وقف، به عنوان یک نهاد فقهی و حقوقی و یکی از دستورات مؤکد اسلام، به سهم خود، در مقابله با آثار نامطلوب تجمع و تمرکز ثروت و مآلاً استقرار عدالت اجتماعی، می‌تواند مورد استفاده قرار گرفته و در این رابطه، خدمات ارزنده‌ای را به جامعه عرضه کند (هدایتی ۱۳۸۸: ۷۸).

نقش وقف در شکل‌گیری فضاهای شهری

علاوه بر تمامی مواردی که در ارتباط با نقش وقف در اقتصاد جامعه و رشد و پیشرفت آن بیان شد، وقف هم‌چنین یکی از عمده‌ترین زیرساخت‌های اقتصادی

جهان اسلام نیز محسوب می‌گردد (الکبیری ۱۳۶۴: ۲۴). سنت وقف از ارزش‌های جهان‌بینی دینی و مذهبی است که نقش بسیار مؤثری در شکل‌گیری ساخت فضایی شهرهای دوره اسلامی به‌ویژه شهرهای ایران داشته است. با نگاهی گذرا به سیما و بافت کالبدی شهرهای ایران بسیاری از عناصر و اجزای شهری را که نقش عمده‌ای در عملکرد و حیات زندگی شهری دارند، می‌توان مشاهده نمود که عنصر وقف در آنها نقشی به‌سزا داشته است (آشتیانی، بی‌تا: ۱۵۴). بسیاری از تأسیسات زیربنایی و روبنایی در مجتمع‌های زیستی بدون اینکه حکومت‌ها وظیفه‌ای در ایجاد آنها احساس کنند توسط مردم ساخته می‌شدند. البته در مواردی دولت‌مردان نیز در احداث این‌گونه مجموعه‌های وقفی نقش ارجمندی در طول تاریخ ایران اسلامی داشته‌اند. بسیاری از شهرهای قدیمی که به تدریج شکل گرفته‌اند، اغلب از ایجاد محله‌های کوچک شروع شده و با افزایش جمعیت و توسعه بناها و اماکن به شهرها تبدیل شده‌اند. این محله‌ها که از پیش طراحی نشده بودند، برای احداث و ایجاد مراکز و فضاهای خدماتی-عمومی در آنها هیچ‌گونه پیش‌بینی به‌عمل نیامده بود؛ در عین حال می‌بینیم که شهرهای سنتی و قدیمی ایران در نظام و ساختار محله‌ای از انسجام و پیوستگی قوی برخوردار بوده‌اند و تقریباً تمام خدمات و نیازهای شهری و محله‌ای به شکلی خودجوش و طبیعی در آنها ایجاد شده بود (شهابی ۱۳۸۳: ۱۳۹).

وقف علاوه بر اینکه از نظر اجتماعی و اقتصادی دارای کارکردهای فراوان و مهمی در زندگی روزانه و فعالیت‌های شهری بوده، از نظر کالبدی در شکل و تولید فضاهای عمومی شهری اهمیت برجسته‌ای داشته است. به‌طوری که شهرها را نه تنها از نظر اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی انسجام می‌بخشیده، بلکه از نظر کالبدی نوعی پیوستگی و وحدت فضایی بین مناطق و محلات مختلف شهر به‌وجود می‌آورده است. بر این اساس اگر فضاهای عمومی و عام‌المنفعه که در ساختار شهرهای سنتی ایران تقریباً بسیاری از آنها از طریق وقف شکل گرفته‌اند را حذف

کنیم، چیزی که باقی می‌ماند مجموعه‌ای از مساکن، مراکز تجاری و در کل فضاهای خصوصی هستند که از نظر مدنی به‌صورت پراکنده، گسسته و بی‌ربط خواهند بود. فضاهای عمومی شیرازه و عامل پیوند دهنده مجموعه عناصر تشکیل دهنده شهر به یکدیگراند (شهابی ۱۳۸۳: ۱۴۰).

از نظر کالبدی نقش وقف را می‌توان در ایجاد و احداث خردترین عناصر کالبدی شهر نظیر مساجد، مدارس، حمام‌ها، آب‌انبارها، سقاخانه‌ها، روشنایی معابر و بازارچه‌ها تا شکل‌گیری و تولید کلان‌ترین فضاهای شهری نظیر بازارها و مجموعه‌های وقفی مشاهده و پیگیری نمود. در ساختار فضایی شهرهای تاریخی و سنتی ایران مالکیت غالب بناهای با عملکرد عمومی که عموماً هم جزء میراث فرهنگی و تاریخی جامعه اسلامی به‌شمار می‌روند، وقفی است. علل ماندگاری موقوفات در بستر زمان را باید در نقش فرهنگ متعالی وقف جستجو کرد. در واقع وقف به مثابه یک هیأت تألیفی توانمند است که میان اجزاء آن هم‌سازی و الفت خاصی برقرار است. در مجموع اجزاء هدفمند این هیأت نه تنها ضامن بقای مالکیت موقوفه به نفع عموم می‌شدند، بلکه در ضمن ارائه خدمات رایگان به افراد جامعه به‌طور مرتب و به مرور زمان خود را حفاظت و مرمت کرده و در نهایت آباد، پابرجا و استوار باقی مانده‌اند. کارآیی نهاد وقف موجب حضور موقوفات متنوع و عدیده‌ای در جامعه اسلامی گردید. همان‌گونه که امروز اکثر بناهای عمومی در بافت‌های فرهنگی و تاریخی مجتمع‌های زیستی ما وقفی هستند (قدیری ۱۳۶۹: ۳۶).

راهکارهای ترویج فرهنگ وقف در جامعه

برای شکوفایی وقف در جامعه باید فرهنگ وقف را ترویج کرد. برای این منظور تنها یک نهاد یا ارگان مسئول نیست، بلکه همه‌ی دستگاه‌های تبلیغی و اجرایی کشور موظف‌اند تا در جهت اعتلای فرهنگ وقف در جامعه با یکدیگر همکاری کرده و زمینه‌های شکوفایی آنرا فراهم آورند. هر چند عمل به وقف از سوی مردم

مهم‌ترین راه گسترش فرهنگ وقف است اما باید توجه داشت که مردم، نیازمند راهنمایی و آموزش‌های دینی عملی در این زمینه هستند. از این رو مسئولان کشور به‌ویژه دست‌اندرکاران امور مذهبی و فرهنگی می‌توانند با یک برنامه‌ریزی صحیح و اصولی در جهت‌دهی افکار عمومی به سمت فرهنگ وقف مؤثر باشند.

آثار مثبت وقف در زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در جامعه ایجاب می‌کند که در گسترش وقف تلاش جدی داشته باشیم؛ چرا که اگر به این سنت حسنه عمل شود، بسیاری از مشکلات فعلی جامعه‌ی ما قابل حل خواهد بود. سازمان اوقاف و امور خیریه، مبلغان دینی، ائمه جماعات، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان تبلیغات اسلامی و ... از جمله نهادها و وزارتخانه‌هایی هستند که در چگونگی ترویج و اشاعه‌ی فرهنگ وقف در جامعه نقش اساسی دارند. به عنوان مثال سازمان اوقاف و امور خیریه می‌تواند با انتشار کتاب یا مجله و یا از طریق مبلغان دینی جایگاه و اهمیت وقف را در جامعه مشخص کند تا زمینه‌ی گرایش مردم به وقف فراهم آید. در کنار تشویق مردم به وقف، باید جهت وقف را با توجه به نیازهای جامعه مشخص کرد تا از موقوفات تکراری نظیر ساخت مسجد و ... جلوگیری شود. در این زمینه باید تحقیق شود که نیازهای روز جامعه کدامند تا موقوفات به آن سوق داده شود. بدیهی است که اگر وقف برای کارهای عمرانی، صنعتی، کشاورزی و سرمایه‌گذاری در کارهای تولیدی باشد، نسل جدید به وقف روی خواهد آورد و موقوفات تازه شکل می‌گیرد (بزرگی: ۱۳۷۹: ۱۱۳).

پی‌نوشت

۱. مشاور سرپرست سازمان اوقاف و امور خیریه کشور.
۲. طوسی، محمد بن حسن. التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۵۳۰.
۳. طباطبایی: ۱۳۹۱: ۳۷۷.